

تالیف کتاب؛ اسلوب و شیوه‌ها

محمد کاظم رحمتی^۱

چکیده

نوشتار کوتاه حاضر تلاش دارد تا با ذکر برخی مثال‌ها، موضوع شیوه نگارش در سنت اسلامی را مورد بحث قرار دهد. در کنار شیوه و اسلوب تألیف کتاب، استنساخ و کتابت نسخه‌ها نیز موضوع جالب توجه دیگری است که از جهات چندی اهمیت دارد. ساده‌ترین کاربرد توجه به اسلوب و شیوه کتابت نسخه‌ها در کار نسخه‌گزینی است؛ شماری از کاتبان برای استفاده شخصی خود در کتابت نسخه به دخل و تصرف پرداخته و متناسب با نیاز خود برخی مطالب را در حین کتابت حذف کرده‌اند؛ این خود باعث شده تا بعدها این گمان پدید آید که ما با تحریرهای مختلف از این دسته کتابها مواجهه هستیم. با ذکر مواردی نوشتار حاضر در صدد توجه دادن به این نکات است.

کلید واژه‌ها

الدر المنثور؛ ابوسعید خرقوشی؛ الفهرست ابن ندیم؛ الدلائل والاعتبار منسوب به جاحظ.

در بررسی نسخه‌های خطی یک اثر عوامل مختلفی مؤثر هستند و اینکه کاتبان نسخه‌هایی که بدست ما رسیده، براساس چه نسخه‌ای یا به چه شکلی نسخه را کتابت کرده‌اند، نکاتی هستند که باید به آن توجه کرد. بهتر است تا مواردی از چگونگی کتابت نسخه‌های خطی را توضیح دهم. کاتبان به انگیزه‌های مختلفی به کتابت نسخه می‌پردازند؛ اینکه نسخه کتابت شده با نسخه اساس یکی باشد، ساده‌ترین علت کتابت نسخه است؛ اما در مواردی فرد به دلیل علاقه خاصی به برخی نکات در کتابت نسخه‌ای خطی، ممکن است که نکاتی را که برای خود چندان محل تأمل نمی‌بیند حذف کند.

الدر المنثور شیخ علی کبیر و نسخه تلخیص شده شیخ حر عاملی از آن

نسخه‌ای از کتاب الدر المنثور من المأثور و غیر المأثور شیخ علی کبیر در کتابخانه مجلس موجود است که شیخ حر عاملی کتابت کرده است. براساس اینکه کاتب نسخه شیخ حر عاملی است، شاید این نکته به ذهن متبادر شود که نسخه اخیر باید نسخه‌ای مهم باشد؛ با این حال بررسی این نسخه نشانگر آن است که شیخ حر عاملی به نکاتی خاص توجه داشته و در کتابت نسخه، دست به تلخیص و انتخاب برخی مطالب زده و پاره‌ای از مطالب را کتابت نکرده است. اما این نکته تا چه حد مورد توجه کاتبان بعدی قرار می‌گرفته است؟ در هر حال اساس کتابت قرار گرفتن نسخه شیخ حر عاملی به تصور این که نسخه‌ای مضبوط و مهم از کتاب است، باعث ایجاد یک تحریر جدید از کتاب الدر المنثور شده است که باید برای یافتن نسخه‌های کتابت شده از نسخه شیخ حر عاملی، همه نسخه‌های کتاب را بررسی کرد.

کتاب البشارة و النذارة ابوسعید خرگوشی

کتابهای دم دستی و مرجع عموماً در معرض دخل و تصرف‌های کاتبان و حتی تغییر نام و هویت مؤلف هستند. ابوسعید عبدالملک بن محمد خرگوشی (متوفی ۴۰۷) کتابی در تعبیر رویا به نام البشارة و النذارة فی تعبیر الرویا دارد که در شماری

از نسخه‌های خطی موجود است.^۱ وی کتابش را در ۵۹ باب تألیف کرده، کما اینکه در کهنترین نسخه کتاب در کتابخانه واتیکان (نسخه‌های عربی شماره ۱۳۰۴؛ رساله سوم، برگ‌های ۲۳۰-۳۱۴) فصول کتاب چنین است. اما در نسخه‌های دیگر ظاهراً توسط کاتبان تغییری در فصول کتاب داده شده و فصل به دو فصل تغییر داده شده و ابواب کتاب به شصت باب رسیده است.

دقیقاً دانسته نیست، اما در روزگاری کاتبی در نسخه کتاب تصرف کرده و تعبیرهای نویسنده که با عنوان «قال الاستاذ ابوسعده الواعظ رحمه الله» را به «قال الإمام محمد بن سيرين رضی الله عنه» تغییر داده است؛ این روند احتمالاً از نسخه ای آغاز شده که در آن از ابوسعده واعظ با عبارت «قال الإمام رضی الله عنه» یاد شده و کاتبی که شهرت ابن سيرين به تعبیر رویا را در ذهن داشته، عبارت را به هنگام کتابت به «قال الإمام محمد بن سيرين رضی الله عنه» تغییر داده است. در هر حال کتاب البشارة و النذارة ابوسعده خرگوشی به عنوان کتاب تفسیر الاحلام ابن سيرين (متوفی ۱۱۰) بارها به چاپ رسیده است. حسین بن حسن بن ابراهیم خلیلی داری (متوفی ۶۳۵) کتاب البشارة و النذارة را تلخیص کرده که در شماری نسخه‌های خطی نیز موجود است.

با این حال شماری از نسخه‌های خطی از تلخیص کتاب البشارة خرگوشی (مانند برلین ۷۲۶۶؛ برلین ۴۲۶۷ و توینگن ۲۲۰ موجود است که جز تلخیص خلیلی داری است. تنها در سالیان اخیر و در نتیجه بررسی نسخه‌های مختلف تعبیر رویا این امکان حاصل شده تا مسائل اخیر درباره کتاب خرگوشی چون تلخیص‌های مختلف آن و انتساب نادرست آن به ابن سيرين شناخته شود و اکنون نیز تصحیح انتقادی کتاب البشارة و النذارة به تحقیق بلال اورفه لی ولینا الجمال (ابوظبی: دائرة الثقافة و السياحة، ۲۰۲۳) منتشر شده است.

۱. از بهترین مقالات نوشته شده درباره خرگوشی باید به مقاله مرحوم احمد طاهری عراقی («ابوسعده خرگوشی نیشابوری»، معارف، دوره پانزدهم، شماره ۳، آذر-اسفند ۱۳۷۷ش؛ تجدید چاپ شده در مجموعه مقالات ایشان با عنوان یادگار طاهر: مجموعه مقالات دکتر احمد طاهری عراقی (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲ش)، ص ۲۸-۵۷) اشاره کرد.

نظریه دو تحریر کتاب الفهرست ابن ندیم

درباره کتاب الفهرست ابن ندیم تا مدتها گمان آن بود که کتاب دو تحریر دارد، تحریری که ابتدا ابن ندیم آن را تألیف کرده و مشتمل بر چهار بخش از کتاب و مقدمه بوده و تحریر دوم که تمام کتاب را در بر می‌گیرد.^۱ نسخه ای از کتاب الفهرست در کتابخانه کویرلی به شماره ۱۱۳۵ موجود است که در سال ۶۰۰ توسط یوسف بن مهنا بن منصور که مشتمل بر مقدمه کتاب و چهار مقاله آخر کتاب کتابت شده است (کتبها الفقیر الی رحمة الله یوسف بن مهنا بن منصور فی العشرین من ربیع الآخر سنة ست مائة للهجرة الحنیفیه حامداً لله ومصلياً علی نبیه وآله ومسلماً). کاتب در انجامه نوشته است:

«تمت المقالة الرابعة من کتاب الفهرست وتم بتمامها جميع الکتاب...».

کاتب در بالا کلمه الرابعة، حرف ی و روی آن مدی را کتابت کرده که در بررسی نسخه توسط هلموت ریتر که نخستین بار نسخه اخیراً معرفی کرده و بعدها یوهان فوک مورد توجه قرار نگرفته است. در حقیقت کاتب با نگارش حرف ی برابر با عدد ده در حروف ابجد، به خواننده اطلاع می‌دهد که گرچه در نسخه حاضر تنها چهار مقاله را کتابت کرده یا بهتر بگویم اختیار کرده است، کما اینکه اکنون بررسی دقیقتر نسخه نشان می‌دهد حتی در همین بخش‌های کتابت شده توسط او، حذف‌هایی رخ داده و همان بخش‌های کتابت شده نیز دقیقاً منطبق با تمام آن بخش‌ها در نسخه‌های دیگر نیست، کتاب الفهرست ابن ندیم در مقاله تألیف شده است و عبارت انجامه را در اصل باید چنین خواند:

«تمت المقالة الرابعة - افهم العاشرة - من کتاب الفهرست و تم بتمامها جميع الکتاب».^۲

۱. برای بحث از وجود دو تحریر از کتاب الفهرست ابن ندیم بنگرید به:

H. Ritter, "Philologika I. Zur Überlieferung des Fihrist, in: Der Islam 17 (1928), p.1-23, esp. 17, 20, 22; J.W. FÜCK, "Eine arabische Literaturgeschichte aus dem 10. Jahrhundert n. Chr. (Der Fihrist des Ibn an-Nadim)," in: Zeitschrift der deutschen morgenländischen Gesellschaft 84 (1930), p. 111-14.

زیمرمن بی اساس بودن وجود دو تحریر مختصراً و مفصلاً از کتاب الفهرست را با شواهدی متقن رد کرده است:

Friedrich W. Zimmermann, "On the supposed shorter version of Ibn an Nadim's Fihrist and its date," Der Islam 53 (1976), pp.267-273.

۲. بنگرید به: والیری پولوسین، «ملاحظات حول فهرست ابن ندیم»، «أبحاث جدیدة للمستعربین

ایمن فؤاد سید گرچه در بررسی خود از این نسخه متذکر شده که نسخه مشتمل بر ارجاعاتی به فصول دیگر کتاب هست و نسخه را باید نوعی تلخیص و اختیار از کتاب الفهرست به حساب آورد (الفهرست، ج ۱، بخش اول، ص ۳۵* - ۴۱*) اما به مطلب اخیر توجهی نکرده است. فؤاد سید در اشاره به نسخه اخیر به عنوان تحریری مختصر از کتاب الفهرست در مقدمه تصحیح خود بر کتاب طبقات الأطباء والحکماء ابن جُلجل اندلسی نوشته است:

«من المظنون أنَّ ابن النديم ألَّف كتابه أولاً عن الكتب اليونانية و المترجمة و أسماء النقلة و المترجمين، كما يَتَّضِحُ ذلك من نسخة مخطوطة من هذا الكتاب محفوظة بمكتبة كوبريلي بأستانبول برقم ۱۱۳۵ کتبت سنة ۶۰۰ هـ و هي نسخة قائمة بذاتها و تحتوى على أربع مقالات فقط، و هذه المقالات تُطابق المقالات السابعة إلى العاشرة من الكتاب. . . ولعلَّ ابن النديم كان كتابه في الأصل على هذه المقالات ثم جعل كتابه شاملاً لكل الفنون فأضاف إليها المقالات الست الأولى و صار بذلك في عشر مقالات».

نسخه‌های ناقص از کتاب و هویت مؤلف آنها

گاه از یک کتاب، تنها بخشی باقی مانده و بدست ما رسیده و این خود باعث ناشناخته ماندن نام کتاب و مؤلف آن شده است. به عنوان مثال در کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۳۳۰۶ نسخه ای موجود است که با عنوان عجائب الهند و با انتساب به بزرگ بن شهریار توسط مستشرق هلندی فان دیرلیث (لایدن، ۱۸۸۳-۱۸۸۶) منتشر شده است. با این حال نسخه اخیر تنها بخشی از کتاب است و متن کامل آن را ابن فضل الله عمری در کتاب مسالک الابصار آورده و نام کتاب و مؤلف را نیز چنین معرفی کرده است: ابوعمران موسی بن رباح اوسی نویسنده کتاب الصحيح من أخبار البحار و عجائبها. دوست و استاد ارجمند یوسف الهادی که تظن به مطلب اخیر حاصل دقت ایشان بوده، متن کامل کتاب الصحيح من أخبار البحار و عجائبها را منتشر کرده است (دمشق، دار اقرء، ۲۰۰۶/۱۴۲۶). گاه افتادگی صفحه ای که مؤلف نام خود را ذکر کرده، باعث ناشناخته

السوفیت (الکتاب الأول) (موسکو، ۱۹۸۶)، ص ۱۳۵-۱۳۷. نسخه کاپرلی ۱۱۳۵ همان نسخه ای است که مرحوم آقابرگ در الذریعة الی تصانیف الشیعة (ج ۱۶، ص ۳۷۳) به عنوان نسخه ای کهن از کتاب الفهرست ابن ندیم به آن اشاره کرده است.

ماندن مؤلف کتاب می شود خاصه اگر کتاب تنها یک نسخه خطی داشته باشد. نمونه ای قابل ذکر از این مورد، تفسیر المبانی از نویسنده ای کرامی و اهل خراسان تألیف شده در حدود ۴۲۵ است که بحث و جدل های مختلفی درباره نام مؤلف آن شده است. وجود تحریرهای کاملتر از شماری آثار که نسخه های آنها بدست ما رسیده، یکی از مسائل مورد ابتلاء در تصحیح نسخه های خطی است و عموماً این موارد با عنوان بخش های از بین رفته و یا نقل شده در منابع دیگر از همان کتاب، به آثار مورد بحث افزوده شده اند که می توان به کتاب الموفقیات زبیر بن بکار اشاره کرد که نسخه ای کاملتر از آن در اختیار ابن ابی الحدید بوده است.^۱

طبقات القراء ذهبی و تحریرهای مختلف آن

از مواردی که یک کتاب دو تحریر یا چند تحریر داشته، می توان به کتاب طبقات القراء ذهبی اشاره کرد که سه تحریر متفاوت دارد کتاب فرق الشیعة با انتساب به حسن بن موسی نوبختی و المقالات و الفرق سعد بن عبدالله اشعری ظاهراً دو اثر مرتبط با هم هستند و ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند هر چند در مواردی از یگدیگرتفاوت دارند و شاید تحریر نخست و متاخر از یک کتاب باشند.^۲ نکته جالب توجه در خصوص کتابهای دارای دو تحریر با بیشتر آن است که تنها نسخه های اندکی از تحریر دوم باقی مانده است. به عنوان مثال از تحریر سوم طبقات القراء ذهبی تنها یک نسخه و از تحریر دوم کتاب خلاصة التواریخ قاضی احمد قمی تنها یک نسخه (نسخه برلین) باقی مانده است.^۳ تغییرات

۱. همچنین بنگرید به: عباس هانی چراخ، «المخطوطات الناقصة أنواعها و طرائق تحقیقها»، مخطوطاننا، العدد الثانی، خریف ۲۰۱۶م/ ۱۴۳۶هـ، ص ۲۹-۶۲.

۲. کتاب عمدة الطالب ابن عنبة (متوفی ۸۲۸) نیز سه تحریر متفاوت دارد؛ عمدة الطالب کبری که به تیمور لنگ تقدیم شده؛ عمدة الطالب وسطی و عمدة الطالب صغری که به شمسیه نیز معروف است. با این حال در معرفی نسخه های خطی کتاب کمتر توجهی به این مطلب شده و تنها نسخه های کتاب او به نام عمدة الطالب معرفی شده است. در میان سه تحریر عمدة الطالب، تحریر وسطی بیشتر مورد توجه بوده و نسخه های خطی پرشماری از آن کتابت شده و در دست است.

۳. احمد خان تحریر سوم کتاب طبقات القراء را منتشر کرده است (ریاض: مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات الإسلامية، ۱۹۹۷/۱۴۱۸). همچنین از کتاب معجم الشیوخ ذهبی نیز دو تحریر متفاوت

در تحریرهای مختلف گاه به نحوی است که هر تحریر باید جداگانه منتشر شود و خود علیرغم تشابهات زیاد، به واقع کتابی مستقل است.

تصحیح کتاب بر اساس نسخه‌های ناقص: طبقات ابن سعد

در کنار مسئله وجود تحریرهای مختلف یک کتاب، گاه کتابی چند جلدی را سراغ داریم که نسخه‌های اساس چاپ آن به شکل ناقصی بدست مصحح رسیده است. نمونه مهمی از این دست کتاب طبقات الکبری ابن سعد است که نخستین بار ادوارد زاخاو و همکارانش آن را تصحیح کردند، جزآنکه نسخه‌های اساس تحقیق آنها ناقص بود و بخش مهمی در حدود سه جلد از کتاب در اختیار آنها نبود. احسان عباس همین تصحیح را اصلاح کرد و بار دیگر آن را منتشر کرد. تنها در سالیان اخیر بود که این افتادگی مورد توجه قرار گرفت و نسخه کامل کتاب شناسایی شد و کتاب به نحو کامل منتشر شده است. خویتریونبل بر اساس چاپ ناقص کتاب الطبقات الکبری نتایجی گرفته است از جمله درباره شخصیت تاریخی نافع مولی ابن عمر تردیده کرده و به این دلیل که در چاپ‌های متداول طبقات ابن سعد، شرح حال وی نیامده، او را شخصیتی غیر واقعی دانسته است. اکنون می‌دانیم که چنین نیست و شرح حال وی در چاپ کامل کتاب طبقات ابن سعد موجود است.

چند اثر حسین بن عبدالصمد و تحریرهای مختلف آنها

در شماری از نسخه‌های که دارای دو تحریر می‌باشند، تنها تفاوت در مقدمه است و نویسنده نام شخص یا پادشاهی را که کتاب را به او تقدیم کرده، به آن اضافه کرده و دیگر بخش‌های کتاب تغییری نکرده است. از این موارد می‌توان به وصول الاخیار و اربعین حدیث حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (متوفی ۹۸۴) اشاره کرد. حارثی هر دو کتاب مذکور را پیش از سفر و سکونت به ایران در ۹۶۰ نگاشته و بعدها در تحریر دوم که در ایران از دو اثر خود ارایه کرده، نام شاه طهماسب صفوی را در مقدمه‌های هر دو کتاب افزوده

در اختیار داریم. احمد خان در مقدمه به تفصیل از تفاوت تحریرهای مختلف کتاب طبقات القراء ذهبی سخن گفته است.

است. گاه به دلایل خاصی مقدمهٔ تحریر نخست که مشتمل بر تقدیمیه به سلطان یا بزرگی بوده، حذف می‌شده است که کاری متداول بوده است.^۱

دو تحریر از کتاب الدلائل و الاعتبار منسوب به جاحظ

در شماری از کتابهای دارای دو تحریر، نه تنها مقدمه که بخش‌های دیگر کتاب نیز با یکدیگر تفاوت دارند؛ نمونه‌ای مهم از مورد کتاب منسوب به عمرو بن بحر جاحظ (متوفی ۲۵۵) یعنی کتاب العبر و الاعتبار فی النظر فی معرفة الصانع و ابطال مقالة أهل الطوائع است. کتاب اخیر در دو تحریر مختصر و مفصل موجود است؛ تحریر مختصر با عنوان الدلائل و الاعتبار علی الخلق و التدبیر در ابتدای قرن بیستم با انتساب به جاحظ منتشر شد (حلب، ۱۹۲۸)؛ هرچند در آن هنگام از وجود تحریر مفصل آن اطلاع چندانی نبود. کتاب الهدایة الی فرائض القلوب رسالهٔ دکتری آبراهام شالوم یهودا زیر نظر تئودر نولدکه بود که در ۱۹۱۲ در لایدن منتشر شده بود و به دلیل اهمیت فراوانی که داشت به سرعت مورد توجه قرار گرفت؛ دربارهٔ نویسندهٔ کتاب یعنی ابن باقودا با وجود اهمیت کتابش تقریباً مطلب خاصی دانسته نیست جز آنکه عالمی از یهودیان اندلس بوده و میان سالهای ۱۰۸۰ تا ۱۰۹۰ کتاب خود را تألیف کرده است.

کتاب اخیر به وضوح تأثیر سنت اسلامی بر فرهنگ یهودیان ساکن در قلمرو اسلامی را نشان می‌دهد و نویسندهٔ آن از برخی منابع اسلامی بدون اشاره به نام آنها نقل کرده است. بنث نیز یکی از کسانی بود که کتاب الهدایة توجه او را به خود جلب کرده بود، پیش از وی گلدتسیهر در معرفی و نقدی که بر کتاب الهدایة نگاشته بود، از تأثیر پذیری ابن باقودا از آثار غزالی سخن گفته بود. بنث در مقاله‌ای که در ۱۹۳۸ در این خصوص نگاشت، برخلاف نظر گلدتسیهر استدلال کرد و از وجود منبعی مشترک میان کتاب الهدایة الی

۱. برای بحثی خاص دربارهٔ چنین تغییری در مقدمه و دلایل آن می‌توان از کتاب نُور الحقیقة و نُور الحدیقة حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی اشاره کنم که دون استوارت به تفصیل از آن بحث کرده است. بنگرید به:

Devin J. Stewart, "Husayn b. Abd al-Samad al-Amili's Treatise for Sultan Suleiman and the Shi'i Shafi'i Legal Tradition," *Islamic Law and Society*, iv (1997), pp. 156 – 99.

فرائض القلوب عالم یهودی اندلسی یحیی بن باقودا و اسرار الملکوت غزالی (متوفی ۵۰۵) که مباحث مطرح در آن با آنچه که ابن باقودا از آن منبع مشترک نقل کرده بود، شباهت داشت، سخن گفت.^۱

بنث اشاره کرد که بخشی از مطالب کتاب الهدایة با کتاب اسرار المخلوقات غزالی تشابه دارد، اما براین باور بود که به علت بُعد مکانی میان دو عالم مورد بحث و هم زمانی زمان زندگی آنها، امکان اطلاع هر دو فرد از کتابهای یکدیگر امکان پذیر نبوده خاصه ابن باقودا که کتاب خود را به زبان عربی - عبری نگاشته و بسیار بعید است که غزالی به چنین آثاری علاقه داشته، یا توان بهره گیری از آنها را داشته باشد؛ بنابراین او به منبع مشترکی اندیشید که غزالی و ابن باقودا از آن در نگارش آثار خود بهره برده اند. بنث دریافت که این منبع کتاب الدلائل و الاعتبار علی الخلق و التدبیر است که با انتساب به جاحظ منتشر شده بود. بنث هوشمندانه با بررسی کتاب الدلائل و الاعتبار دریافت که کتاب همانگونه که کسان دیگری در انتساب آن به جاحظ تردید کرده بودند، از جاحظ نیست بلکه از عالمی مسیحی است.^۲ حدس اخیر بنث از این جهت ارزشمند است که او تحریر مفصل کتاب را در اختیار نداشت؛ چرا که با مراجعه به تحریر مفصل کتاب و مقدمه مهم آن می توان به این نتیجه رسید که کتاب به سنت مسیحیان عرب زبان تعلق دارد. نویسنده کتاب الدلائل در مقدمه کتاب به سنت ادبی نگارش آثار دیگر در موضوع نگارش خود اشاره کرده است که جملگی به میراث مسیحیان نسطوری تعلق دارد.

بنث در بررسی کتاب، متفطن این مطلب شده بود که نویسنده کتاب هیچ نقلی از قرآن یا حدیث نبوی ندارد و این نکته شگفتی بود. بنث از وجود تحریر مفصل کتاب به

1. See: Baneth, D.H., "The Common Source of Bahya Bar Yosef and al-Ghazali," in: F.I. Baerm F.S. Bodenheimer et al., eds. Magnes Anniversary Book (Jerusalem, 1938), pp. iv-v, 23-30.

۲. آثار مختلفی به جاحظ نسبت داده شده که اکنون می دانیم از او نیست و حتی شماری از مؤلفان این دسته آثار نیز شناسایی شده اند. برای بحثی در خصوص آثار منسوب به جاحظ و مؤلفان حقیقی آنها بنگرید به بحثی که محسن ذاکری در پیوست مقاله خود که با این مشخصات منتشر شده، آورده است؛

Mohsen Zakeri, "Yet Another Pseudo-al-Jāhiz? Kitāb al-Ḥijāb and its Probable Author Ibn al-Marzbān (d. 309/921)," *Journal of Abbasid Studies* 3 (2016), pp. 20-28.

شکل دقیقی اطلاع نداشت؛ او می دانست که از کتاب الدلائل نسخه ای نیز در کتابخانه بریتانیا (بریتیش میوزیوم، نسخه های شرقی) به شماره ۳۸۸۶ موجود است، اما تصور می کرد که به جز مقدمه، تفاوتی میان متن چاپ شده و نسخه خطی اخیر نباشد. با این حال انتشار تحریر مفصل کتاب که اکنون به تحقیق صابرادریس در اختیار ما قرار دارد؛ نشانگر چند نکته است. نخست آنکه در تحریر مفصل کتاب، نویسنده در مقدمه کتاب توضیحی درباره آثار تألیف شده در موضوعی که در حال نگارش است، ارائه کرده که این مقدمه به طور کامل در تحریر مختصر حذف شده است و باعث شناخت بهتر مؤلف کتاب نیز می شود. همچنین در بخش های بعدی کتاب نیز تفاوت هایی وجود دارد و تحریر مفصل تر مشتمل بر اضافاتی است و در برخی مباحث، مطلب آمده در تحریر مفصل دو برابر از تحریر آمده در بخش مختصر است.^۱

درباره تفاوت دو تحریر و اینکه آیا نویسنده متن آن را انجام داده یا شخص دیگری اطلاعی نداریم. تحریر مفصل کتاب در میان زیدیان یمنی متداول است و نسخه هایی که از آن بدست ما رسیده نیز جملگی توسط زیدیان یمنی کتابت و استنساخ شده است. برای چند نسخه فهرست شده از کتاب العبر و الاعتبار در کتابخانه های شخصی یمن بنگرید به: عبدالسلام عباس الوجیه، مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی الیمن (صنعاء: مكتبة الإمام زید بن علی علیه السلام، ۲۰۰۲/۱۴۲۲)، ج ۱، ص ۲۲۱، ۴۱۴ (عنوان نسخه اخیر المنتزع المختار من کتاب العبر و الاعتبار و الدلائل و الآثار معرفی شده که احتمالاً دلالت بر این دارد که نسخه، تحریر مختصر کتاب است)، ج ۲، ص ۱۷۲ (المنتزع المختار من کتاب العبر و الاعتبار و الدلائل و الآثار)، ۶۵۸-۶۵۹.

۱. یوسف سعدان گزارش خوبی از مقاله بنث (D.H. Baneth) و مطالعات بعدی درباره کتاب الدلائل آورده است. بنگرید به:

Joseph Sadan, "Ants, Miracles and Mythological Monster; a Literary Study of Ant Narratives between a Jâhizian Atmosphere and Munânâjât Mûsâ", Jerusalem Studies in Arabic and Islam, 31 (2006), pp.411-417.

کتاب الدلائل در حقیقت ردیه ای بر مانویان و نوشته علمی نسطوری از اهل موصل است که به تفصیل درباره او و مطالعات انجام شده در جایی دیگر (متون ایرانی، به کوشش جواد بشری، جلد چهارم) همراه با انتشار نسخه برگردان کهنی از آن بحث کرده ام.